

توضیح اتاق بازرگانی ایران و عراق به «شرق» درباره ادعای آزادسازی ۲۰۷ میلیارد دلار منابع ایران

پول بلوکه‌شده آزاد و خرج شد

کاخ سفید روز پنجشنبه گزارشی مبنی بر نزدیک شدن آمریکا و ایران به یک توافق موقت که بر اساس آن ایران برنامه هسته‌ای خود را در ازای کاهش تحریم‌ها محدود می‌کند، رد کرد.

در این زمینه سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید با اشاره به گزارشی در وب‌سایت میدل‌است‌آی گفت که این گزارش دروغ و گمراه‌کننده است و هر گزارشی مبنی بر توافق موقت نادرست است.

همچنین نمایندگی ایران در سازمان ملل هرگونه توافق موقت با آمریکا را رد و اعلام کرد که هیچ توافق موقتی که بخواهد جایگزین برجام شود، در دستور کار نیست.

وزارت نفت: عراقی‌ها طلب‌مان را نمی‌دهند

معمای ادعاهای متعدد درباره آزادسازی ارزهای بلوکه‌شده ایران در عراق در شرایطی مطرح می‌شود که همین چندی پیش مجید چنگسی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، در حاشیه بیست‌وهفتمین نمایشگاه نفت گفته بود که «ایران هشت میلیارد دلار پول گاز از عراق طلب دارد و به طرف عراقی اعلام کردیم که پول گاز ایران را به‌موقع و هر جایی مدنظر ماست، پرداخت کند». او در ادامه گفته بود: «اکتون عراق پول گاز ایران را در بانک تجارت (TBI) واریز می‌کند که ما برای انتقال آن مشکل داریم».

به‌جز او جواد اوجی، وزیر نفت، هم گفته بود که «پول گاز ما در TBI عراق پس‌انداز می‌شود. عراقی‌ها پرداخت این پول را مشروط به خرید دارو و کالاهای اساسی از این کشور کرده‌اند».

وزیر نفت در ادامه گفته بود: «ما به طرف عراقی فشار آوردیم که این محدودیت برداشته شود و در حال مذاکره با طرف عراقی هستیم تا این موضوع را حل‌وفصل کنیم و مانند ترکیه درآمد حاصله از فروش گاز را به هر شکلی که می‌خواهیم، دریافت کنیم».

عراق: دست‌مان بسته‌است

البته عراق هم در واکنش به تسویه طلب ایران به‌تا‌زگی اعلام کرده بود پیگیر پرداخت بدهی گازی به ایران است و تحریم‌های آمریکا مانع پرداخت بدهی‌های گازی عراق به ایران است.

در این زمینه وزارت برق عراق توضیح داده بود: «دلیل کاهش ساعات تأمین برق شهروندان عراقی، قطعی گازسانی ایران به منطقه جنوب عراق است که فعالیت نیروگاه‌های گازی الرمیله، نجف و خور‌الزبیر در برسد را تحت تأثیر قرار داده است. اما بدهی‌های گاز به ایران که پرداخت آن از سوی بانک تجارت عراق به دلیل تحریم‌های آمریکا علیه تهران دشوار است، دلیل کاهش صادرات گاز ایران به عراق شده و پیگیری‌ها برای یافتن راه‌حل نهایی برای پرداخت بدهی‌ها



پول را دادند خرج شد

در مقابل حمید حسینی، دبیرکل اتاق بازرگانی ایران و عراق، ماجرا را به گونه دیگری روایت می‌کند و به «شرق» می‌گوید که ایران به عراق فشار آورده و با قطع صادرات برق و گاز عراقی‌ها را مجبور کرده است بخشی از بدهی خود را تسویه کنند.

او ادامه می‌دهد که تمام بدهی تسویه‌شده خرج شده است و ۱.۶ میلیارد دلار از ارزهای بلوکه‌شده بابت بدهی گازی ایران به ترکمنستان پرداخت شده و مابقی برای مخارج زائران حج به عربستان پرداخت می‌شود.

ادعای آزادسازی ۲۰۷ میلیارد دلار از منابع ارزی ایران در عراق در حالی منتشر شده که پیش از این هم باشگاه خبرنگاران به نقل از نشریه کوریا اکونومیک دپلی که یک نشریه کره‌ای است، مدعی شده سنول و واشنگتن در حال مذاکره برای آزادسازی هفت میلیارد دلار پول بلوکه‌شده ایران در این کشور هستند.

خبر آزادسازی ارزهای بلوکه‌شده بارها تکذیب شده است و پیش از این کره‌جنوبی هم اعلام کرده ایران می‌تواند در ازای ارزهای بلوکه‌شده خود اقلام بهداشتی مانند کیت آزمایشگاهی تشخیص کرونا یا آمبولانس وارد کند. قبیل از این وزارت امور خارجه ایران هم اعلام کرده بود که در ازای ارزهای بلوکه‌شده کالاهای اساسی وارد می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد همین فرآیندی که پیش از این انجام می‌شده، به‌عنوان اخباری برای مهار انتظارات تورمی بازار ارز گهگدار منتشر می‌شوند.

از سوی دولت السودانی ادامه دارد.
اتفاق جدیدی نیست
مهدی پورکریمی‌مقدم، دبیرکل سابق اتاق بازرگانی ایران و عراق، به «شرق» می‌گوید که گره کور طلب ایران در عراق آنجاست که این کشور باید برای مورد به مورد پرداخت‌هایی که به ایران دارد، به آمریکا پاسخ‌گو باشد و خزانه‌داری آمریکا همه این پرداخت‌ها را تأیید کند.

او توضیح می‌دهد که مطابق قوانین خزانه‌داری آمریکا، ایران می‌تواند از ارزهای بلوکه‌شده خود برای خرید غذا، دارو و اقلام بشردوستانه استفاده کند و حتی اگر خبر آزادسازی ۲۰۷ میلیارد دلار از منابع ارزی ایران و هزینه‌کرد آن برای خرید کالاهای اساسی درست باشد، اتفاق ویژه‌ای رخ نداده و روال بر این بوده است. پورکریمی‌مقدم تأکید می‌کند که به نظر می‌رسد انتشار این اخبار جنبه خبردرمانی دارد و البته تزریق این مقادیر کوچک ارز به بازار هیچ تأثیر ملموس و پایداری بر بازار ارز ندارد. فرشید فرزانگان، رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران و امارات نیز درباره ادعای تخصیص ارز برای واردات کالاهای اساسی به «شرق» می‌گوید که هنوز تخصیص جدیدی برای ارز کالاهای اساسی اتفاق نیفتاده است و اگر این اتفاق رخ دهد، به دلیل اینکه واردکنندگان کالاهای اساسی از زمستان سال گذشته تاکنون ارز دریافت نکرده‌اند، عقب‌ماندگی درخور توجهی در تخصیص‌های ارزی وجود دارد؛ بنابراین اگر ارزی هم در حد ۲۰۷ میلیارد دلار تزریق شده باشد، تنها گوشه کوچکی از عقب‌ماندگی تخصیص ارز واردات کالاهای اساسی جبران می‌شود.

یادداشت

تأثیر انقلاب صنعتی چهارم بر زنجیره حمل‌ونقل دریایی و عملکرد بنادر

حسین شهدادی؛ در طول تاریخ، مردم برای کمک به بهبود و تسهیل زندگی‌شان به فناوری وابسته بوده‌اند و همواره از آن استفاده کرده‌اند. این موضوع باعث تغییر و دگرگونی شدید در جوامع و زندگی بشریت شده که از آن تعبیر به «انقلاب صنعتی» می‌شود.

تاکون انقلاب صنعتی اول (عصر تولید ماشین)، انقلاب صنعتی دوم (عصر علم و تولید انبوه) و انقلاب صنعتی سوم (دیجیتالی‌شدن) را پشت سر گذاشته‌ایم و درحال‌حاضر با فناوری‌های جدیدی مواجه هستیم که بشریت در گذشته رؤیای آن را داشت و از آن تعبیر به «انقلاب صنعتی چهارم» می‌شود. اصطلاح انقلاب صنعتی چهارم اولین بار توسط کلاس شواب مطرح شد.

یکی از توصیف‌های انقلاب صنعتی چهارم، فناوری‌های هوشمند مدرن از قبیل دیجیتال سازی، هوش مصنوعی و اینترنت اشیااست که به وضوح در بنادر و صنعت حمل‌ونقل دریایی قابل اجراس‌ت.

در بحبوحه افزایش تورم، افزایش هزینه‌های زندگی، عدم قطعیت در مورد مسائل ژئولیتیک‌یی که درساره آینده تجارت جهانی وجود دارد و از همه مهم‌تر تقاضای رو به رشد تجارت جهانی، مطمئنا مشتریان به دنبال راه‌حل‌های سریع‌تر و انعطاف‌پذیرتر از سوی ارائه‌دهندگان خدمات هستند. در این راستا ضرورت دارد بنادر و سرویس‌های کشتیرانی فراتر از حمل‌کننده معمولی محمولات باشند و زنجیره تأمین را با استفاده از فناوری‌های جدید مدیریت کنند.

مطمئنا فناوری‌های جدید، ضمن آنکه آینده بنادر را دستخوش تغییرات خواهند کرد، پایه‌های بندری را قادر خواهند کرد تا کارایی عملیاتی، برنامه‌ریزی استراتژیک و در نتیجه سودآوری خود را بهبود ببخشند.
داده‌های بزرگ، اینترنت اشیا، هوش مصنوعی، اتوماسیون و بلاک‌چین‌ها از فناوری‌های نوظهور هستند که در زنجیره تأمین حمل‌ونقل دریایی در دنیا از آنها استفاده می‌شود.

- استفاده از تکنولوژی «جابه‌جایی کانتینر با یک کلیک» در مدیریت پایه‌های کانتینری بدون راننده و کاملا اتوماتیک

- انجام فرآیند دیجیتال ترخیص کالا توسط شرکت‌های کشتیرانی و حمل‌کنندگان

کالا با استفاده از پلنفرم «بلاک‌چین»

- دسترسی به مکان و تغییرات دما و رطوبت کانتینرهای یخچالی در هر لحظه با استفاده از فناوری «اینترنت اشیا»

- بهینه‌سازی عملیات بندری توسط مقامات بندری و پورت‌اپراتورها با استفاده از «هوش مصنوعی»

- ردیابی کانتینرها در زنجیره حمل‌ونقل توسط ذی‌نفعان زنجیره تأمین از طریق فناوری «سیستم داده اطلاعات بزرگ»

- سیستم بوکینگ کانتینر با بهره‌گیری از فناوری «داده کلان و هوش مصنوعی» توسط خطوط کشتیرانی و مشتریان

نمونه‌هایی از کاربرد این فناوری‌ها هستند.

با آنچه بیان شد مشخص می‌شود جهان از نظر فیزیکی کوچک‌تر و مرتبط‌تر شده است و نهایتا اکثر بنادر در حال حاضر هوشمند هستند و همیشه هوشمندتر خواهند شد.

برای فعالیت در این مسیر ضرورت دارد بنادر و ناوگان حمل‌ونقل دریایی کشور، ضمن ارتباط با چرخه حمل‌ونقل بین‌المللی، آمادگی لازم برای مواجهه با پارادایم انقلاب صنعتی چهارم و تغییرات ناشی از آن را داشته باشد. انجام فعالیت‌ها به صورت استاندارد در کلاس جهانی، فناوری جدید در عیب‌یابی و سامانه‌های نگهداری تجهیزات و حتی پیش‌بینی رفتار تجهیزات، استفاده مطلوب از منابع و انرژی و رفع نغدغه‌های زیست‌محیطی از مزایای بازشدن درهای فناوری انقلاب صنعتی چهارم به بنادر کشور خواهد بود که البته از بین رفتن برخی از مشاغل با مهارت‌های بالا و هزینه‌های زیاد طراحی و ساخت و از همه مهم‌تر مقاومت سیستم‌ها در مقابل تغییر از چالش‌های اصلی خواهد بود که ما را از مزایای این فناوری‌ها محروم خواهد کرد.

محدود شناور اوشنیک در حال انجام است و باز هم «به‌زودی» برای نصب می‌آید. چرا هرگز درباره آن حادثه و فاجعه اطلاع‌رسانی نشد و جلوی آن گرفته شد؟ این چه تعمیرات محدودی است که از آذر سال گذشته تا به حال انجام نشده و به‌زودی شما چه زمانی خواهد بود؟ علت و ریشه بروز خسارتی که در آن حادثه می‌رفت منجر به دونیم‌شدن شناور اوشنیک شود، چه بود؟ (ما نغفتمیم شناور دو نیم شده است، بلکه خطری را که تا آستانه آن پیش رفت، مطرح کردیم)، آیا شرکت نفت و گاز پارس حاضر است مکاتبات و هشدارهای دقیقی را که درباره احتمال بروز آن فاجعه قبل از عملیات برداشتن سکو همراه با نتایج بررسی مراجع فنی داخلی خود داده ولی با بی‌اعتنایی و قلدری بیمانکار اجرایی و نادیده‌گرفتن آن مواجه شده بود، منتشر کند تا معلوم شود جایگاه و نقشش چه بوده است یا اینکه نظرات فنی خود را هم انکار می‌کند؟ آیا شرکت نفت و گاز پارس ششاهمت دارد موضع نهایی خود مبنی بر ابراز تعجب از آن خیره‌سری عجیب شرکت تأسیسات دریایی و اکتفای صرف به حواله مسئولیت را انکار کند؟ آیا وظیفه کارفرما کلمه‌گراری منفعلانه و از سر ضعف و حواله مسئولیت به پیمانکار سرکش و متمرد است یا مدیریت و نظارت قدرتمندانه و مؤثر بر کار آن؟ حال اگر هم تعمیراتی انجام شود، چه تضمینی بر صحت و آمادگی مناسب شناور و تکرارنشدن فاجعه خواهد بود؟ آیا این بار نیز به گله و شکایت اکتفا خواهید کرد یا نظارت دقیق و مؤثری انجام خواهد شد؟

شرکت خاص

در کل، متأسفانه پاسخ روابطعمومی شرکت نفت و گاز پارس واجد هیچ نکته جدید و رفخ ابهامی نبوده و هیچ تاریخ و زمان مشخص یا برنامه و میزان تولیدی از فاز ۱۱ به دست نداده است و صرفا به عبارات توصیفی و تکراری نظیر به‌زودی و… مشابه ادعاهای دو سال گذشته اکتفا کرده است؛ اگرچه با وجود پیمانکاری نظیر شرکت تأسیسات دریایی که شفا و منزلت خود را برتر و فراتر از کارفرماها دانسته و جایگاهی برای آنها هم قائل نیست، چندان هم از شرکت نفت و گاز پارس که روزگاری کارفرمای اصلی و قاطع و هدایت‌کننده ده‌ها پیمانکار بزرگ کشور بود و حال به چنین جایگاه نازلی تنزل کرده است، انتظاری بیش از این نمی‌رود. مشخص نیست چرا باید قراردادهای نفت و گاز پارس این‌طور بدون رعایت مقدمات قانونی به آن شرکت خاص واگذار شود؛ نمونه‌هایی نظیر واگذاری قرارداد میدان کیش بدون تأیید شورای اقتصاد، واگذاری ساخت جکت فرزاد در نمایشگاه نفت بدون طی تشریفات مناقسه آن هم با وجود ساخت قبلی همان جکت در قشم و آماده‌بودن آن! (دوباره‌کاری و اتلاف بیت‌المال از حیث چه کسی و با دستور چه مرجعی)، واگذاری جکت میدان بلال، جکت دوم فاز ۱۱، لایه نفتی پارس جنوبی و…؛ به‌راستی شرکت تأسیسات دریایی در دو سال گذشته در کدام پروژه حتی عملکردی حداقلی داشته که این چنین مدیران نقثی برای عرض اراءت قراردادهای خود را بدون تشریفات لازم به صورت سیل‌آسا حواله آن کرده و می‌کنند؟ آیا ظرفیت‌های عظیم دریایی کشور در شرکت‌های صدرا، ایژوایکو، صف، تسدید و… همگی باید به خاطر تأسیسات دریایی خاص تعطیل و بی‌کار شود؟ اینها سؤالات و ابهاماتی است که جوابیه‌نویس نفت به آنها نمی‌پردازد و فقط داستان تکراری در «دولت قبل … دولت قبل» سر می‌دهد.



پاسخ فنی و روشنی ندارند. مثلا به اینکه چرا از آبان ۹۹ تا به حال که بیش از ۳۰ ماه از شروع حفاری موقعیت بازده B گذشته است، تاکنون تنها چهار جبه حفاری شده که یکی از آنها نیز به دلیل ضعف در عملیات اجرایی دچار مشکل شده و از حیز انتفاع خارج شده است، در طرح‌های قبلی پارس جنوبی ۳۰ ماه زمانی بوده که همزمان با ۱۰ ایی ۱۲ جلقه چاه به‌ صورت کامل حفاری و تکمیل و تولیدی می‌شده است، حال چرا زمان حفاری متوسط هرچاه از سه ماه به ۱۰ ماه رسیده است؟ چرا گفته نمی‌شود این سه چاه قرار است چه میزان گاز تولید کنند و در چه زمانی؟

درباره جابه‌جایی سکوی دوازده C که در حال تولید پنج میلیون مترمکعب گاز بود نیز گفته شده است برای جبران خلأ ناشی از ساخت عرشه که سه سال به طول می‌انجامید، تصمیم به آن جابه‌جایی گرفته شده است. بزرگوار! اکنون ۳۰ ماه گذشته است و هنوز یک سکوی موجود و آماده را نوانتس‌اید جابه‌جا و نصب کنید و هیچ چشم‌اندازی درباره زمان نصب و راه‌اندازی آن هم نمی‌توانید ارائه دهید و ۳۰ ماه است مرتب می‌فرمایید «به‌زودی» نصب خواهد شد. این زود شما چه زمانی خواهد رسید؟ اگر توان ساخت یک سکوی جدید در سه سال را داشتید، چرا اقدام نکردید؟ چرا در ۳۰ ماه گذشته ساخت سکوی دوم فاز ۱۱ را شروع نکرده‌اید؟ برای آن سکو هم منتظر معجزه و جابه‌جایی از محلی دیگر بوده‌اید؟

روسیه چرا شناور ایرانی را توقیف کرد؟

درباره شناور اوشنیک هم جوابیه صادره جای تعجب فراوان دارد. درباره توقیف شناور در روسیه گفته نشد که علت توقیف چه بود و چه محاسبات و ادعاهای نسجیده و غلطی منجر به آن توقیف شد و در نهایت چه میزان خسارت از حیث چه کسی برای رفع توقیف پرداخت شد؟ آیا خسارت ندادن‌کاری مربوطه از حیث نفت پرداخت نشد؟ از طرف دیگر و به نظر خود با زیرکی، «جداسازی سکوی دوازده C» را عملیاتی موفق؛ قلمداد کرده و در ادامه برای پوشش فاجعه رخ‌داده در زمان برداشتن سکو در آذر سال پیش، به تاسی از تعبیر مدیرعامل شرکت نفت، آن را تجربه‌ای ارزشمند (بخوانید سعی و خطایی شکست‌خورده و حادثه‌ای دردناک و عبرت‌آموز) قلمداد کرده و در ادامه گفته است تعمیرات

مهدی افشارنیک؛ شرکت نفت و گاز پارس متولی توسعه پارس جنوبی است، اما این روزها به جای توجه به توسعه این میدان و جبران عقب‌ماندگی‌ها، ترجیح‌بند کلاسی‌اش این شده که در دولت قبل چنین بود و چنان؛ با فرض قبول ضعف در توسعه سیاست‌های نفتی دولت قبل، چیزی از مسئولیت این دولت در شعارپراکنی و رؤیافروشی کم نمی‌کند، چنانچه وزیر نفت سال گذشته سه بار وعده داد در پایان زمستان فاز ۱۱ پارس جنوبی به بهره‌برداری پیش نرسید. نفتی‌ها هیچ به این رؤیافروشی‌شان اشاره‌ای نمی‌کنند و فقط هر روزنامه‌نگار و خبرنگاری را که انتقاد می‌کند، حواله به دولت قبل می‌دهند. سؤال ساده این است شما که از وضع مملکت خبر داشتید، چرا مسئولیت گرفتید که بعد از دو سال هنوز مشکلات را گردن دولت قبل بیندازید؟ ازجمله اینکه به مردم رؤیای بهره‌برداری فاز ۱۱ را فروختید و نقد نشد.

شرکت نفت و گاز پارس به گزارشی که در تاریخ ۲۳ اردیبهشت سال جاری در «شرق» چاپ شد، واکنش نشان داد و جوابیه‌ای به روزنامه ارسال کرد و آن هم به چاپ رسید. در متن جوابیه شرکت نفت و گاز پارس از طرح فاز ۱۱ به‌عنوان پیچیده‌ترین فاز پارس جنوبی و نیاز به فناوری خاص و… اشاره شده است که شاید در بخش فشارافزایی آن مصداقی داشته باشد (که البته فعالیت‌های این بخش هم‌اینک تعطیل بوده و مدنظر گزارش ما هم فعلی نیست)؛ اما سایر بخش‌های فاز ۱۱ که همان توسعه‌ی عمده‌ی معمولی این طرح است، نه‌تکلیا هیچ پیچیدگی خاصی نسبت به سایر فازها نداشته، بلکه به دلیل استفاده از سکو و خط لوله دریایی و پالایشگاه موجود و آماده، اتفاقا ساده‌ترین طرح پارس جنوبی است که بیش از دو سال است گرفتار تعطل، داندن‌کاری، وعده و وعید و اشتباهات فاحش فنی و تأخیرات مکرر در نفت شده است.

ما تفاهم‌نامه بیشتر از قرارداد دوست داریم

نگارنده جوابیه حتی نمی‌داند که قرارداد رسمی فاز ۱۱ در تیرماه ۱۳۹۶ امضا و تفیذ شد و آنچه در دی‌ماه ۱۳۹۵ تبادل شد، صرفا رئوس تفاهم‌نامه اولیه بود، نه قرارداد توسعه طرح فاز ۱۱، البته شاید به دلیل تمایل شدید وزارت نفت در این دولت به امضای تفاهم‌نامه، از نظر نگارنده امضای تفاهم‌نامه، مقدم و مهم‌تر از قرارداد اصلی و رسمی طرح بوده است؛ در واقع هر نوع تفاهم‌نامه برای این دولتی‌ها از هر قرارداد مهم‌تر و باارزش‌تر است.

از طرفی برخلاف ادعاهای قبلی، حداقلی‌بود است که اعتراف شده در مهرماه ۹۸ قرارداد توسعه‌فاز ۱۱ به شرکت پتروپارس واگذار شده است. البته شایسته بود اگر در ادامه، به شروع عملیات اجرایی آن با نصب جکت چهارپایه در خرداد ۱۳۹۹ و استقرار دکل و شروع حفاری در آبان ۱۳۹۹ هم اعتراف می‌شد تا نادرستی ادعای مقامات فعلی نفت مبنی بر اینکه در دولت قبل هیچ کاری درباره شروع توسعه فاز ۱۱ انجام نشده بود هم روشن می‌شد. برای ما البته این دولت و آن دولت فرق ندارد؛ چنان‌که در گزارشی دیگر در «شرق» به همین قلم عملیات فرسایشی فاز ۱۱ و تعطل دولت‌های مختلف در این زمینه بررسی شد؛ اما اینکه به‌طور واضح تاریخ را تحریف کنیم، شایسته هیچ سازمان دولتی نیست.

چرا ۳۰ ماه حفاری فقط ۴ چاه؟

اما سؤالات و اشکالات بسیار جدی و عمده‌ای که در گزارش‌های قبلی ما مطرح شده بود، تماما در جوابیه ارسالی بدون پاسخ مانده است؛ چون اصولا

<div><div> </div>آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی نوبت اول انجمن علمی هاتولوژی اکولوژی ایران به شمار ثبت ۲۲۲۲۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۲۱۶۳</div>	
<div><div> </div>احتراما بدین وسیله از کلبه اعضای محترم پیوسته انجمن دعوت به عمل می‌آید تا در مجمع عمومی عادی نوبت اول که روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۴ از ساعت ۱۱ الی ۱۴:۳۰ به آدرس تهران خیابان کارگر شمالی، امیرآباد، نبش خیابان دوم، جنب داروخانه سالاری، ساختمان ۱۸۳۹، طبقه هفتم واحد ۵۶ دفتر انجمن علمی هاتولوژی اکولوژی ایران سالن اجتماعات برگزار می‌گردد. شرکت فرمایند.</div>	
<div><div> </div>دستور جلسه:</div>	
<div><div> </div>۱- استماع و اتخاذ تصمیم در خصوص گزارش عملکرد هیئت مدیره و ترازنامه مالی مربوط آبان ۱۴۰۱ لغایت تیرماه۱۴۰۲</div>	<div><div> </div>۲- استماع و اتخاذ تصمیم</div>
<div><div> </div>درخصوص گزارش بازرس مربوط به آبان ۱۴۰۱ لغایت تیرماه۱۴۰۲</div>	<div><div> </div>هیئت مدیره انجمن علمی هاتولوژی اکولوژی ایران</div>
<div><div> </div>۳- سایر موارد که در صلاحیت مجمع عمومی عادی است.</div>	